

دایر - موافقم
نایب رئیس - آقای فاطمی
(اجازه)

فاطمی - بنده کمال موافقت را با این مسئله دارم ولی برای اطلاع خاطر آقایان از موقع استفاده می کنم و عرض می کنم که در هفته گذشته نواقص و اختلاف نظری که در قانون ممیزی بود رفع شد و فقط يك جلسه لازم است که کمسیون قوانین مالییه با حضور نماینده مالییه منعقد شود و راپورت آن تهیه و تقدیم مجلس شود و هیچ معطلی هم ندارد و امروز عصر کمسیون قوانین مالییه منعقد می شود و راپورت راجع به ممیزی برای روز پنجشنبه تقدیم مقام ریاست خواهد شد که طبع و توزیع شود و می توان روز یکشنبه آتی به جزو دستور قرار داد و این مسئله هم در یکی از مهادهای آن تصریحاً ذکر شده و این مسئله تنها هم نیست خانواری و چیزهای دیگر هم هست.

حالا اگر امروز یکی از آنها را بطور قابل توجهه رای بگیرید و برود به کمسیون و برگردد مستلزم يك طول مدتی است.

در صورتی که يك قانون تهیه شده است و بعد از آنکه آقایان با تقانون رای دادند تصریحاً هم سرانه خانواری و همه اینها الغاء می شود.

لهذا بنده پیشنهاد می نمایم نه اینکه این طرح رد شود بلکه از دستور امروز خارج شود.

اگر قانون ممیزی اینطور که بنده عرض می کنم در هفته آتی مطرح شد که منظور آقایان تأمین می شود و اگر نشد آوقت ممکن است این یکی را مطرح کنید والا این را بنده مضر می دانم که این يك مسئله بگذرد و سایر مالیات های دیگر از قبیل خانواری و غیره که اکثریت مجلس با آنها موافق نیست باقی بماند.

باین جهت بنده پیشنهاد می کنم از دستور خارج شود و بماند برای هفته دیگر
اخگر (مخبر کمسیون مبتکرات) - ممکن است بقابل توجه بودن این طرح رای گرفته شود و برود به کمسیون.

اگر قانون ممیزی بزودی آمد که این هم در جزء آن الغاء می شود و اگر قانون ممیزی بتعمیق افتاد ممکن است از همان کمسیون این را پیشنهاد کنند معذرت می کنم است پیشنهاد کنند بنده قبول می کنم.

نایب رئیس - اگر مایل بخروج از دستور هستید کتباً پیشنهاد کنید
آقای فاطمی
(اجازه)
فاطمی - بنده عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای بیات
(اجازه)
مختصری قلی خان بیات - عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای میرزا یزدان الله خان.

(اجازه)
آقای میرزا یزدان الله خان - موافقم
نایب رئیس - آقای مدرس
(اجازه)

مدرس - آقای مخبر هم در این مسئله تأمل کنند من خیال می کنم اگر این پیشنهاد رفت به کمسیون قوانین مالییه این پیشنهاد را از آنلاجه مجزا می کنند و يك اندازه اسباب اشکال می شود ولی اگر جزو آن قانون باشد تمامش اصلاح می شود و می آید معذرت اختیار با مجلس است.

من گمان می کنم اگر آقای مخبر قبول کنند که بعد مطرح شود اصلاح و انفع خواهد بود معذرت اختیار با خودشان است.

مخبر - بنده هم قبول می کنم بعد مطرح شود.

نایب رئیس - آقایان اگر موافقت می فرمایند جلسه را ختم کنیم
(گفته شد صحیح است)

نایب رئیس - جلسه آینده روز پنج شنبه نوزدهم شهر یوزماه چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم دستور امروز که قبل امین شده خواهد بود.

اولا خبر کمسیون قوانین مالییه راجع بمعافیت یک دستگاه اتومبیل کارخانه کبریت سازی تبریز

ثانیا خبر کمسیون تجدید نظر در قانون انتخابات راجع به تفسیر اصل سی و دوم قانون اساسی.

ثالثا خبر کمسیون بودجه راجع بوره مرحوم میرزا محمود خان مشاور الملک.

آقای کازرونی
(اجازه)

کازرونی - بنده خواستم تقاضا کنم قانون المدیة در جلسه آتی بعد از این مسائل جزو دستور شود.

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی
سید محمد قدین
منشی - دکتر احتشام طباطبائی
منشی - م. شهاب

جلسه یکصد و نود و هفتم
صورت مشروح مجلس
پنجشنبه بیست و یکم شهر
صفر ۱۳۴۴ مطابق
نوزدهم شهر یوز ۱۳۰۴
(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بر ریاست آقای حسین خان پیر نیا تشکیل گردید)

(صورت مجلس سه شنبه هفدهم
شهر یوز را آقای آقامیرزا شهاب
قرائت نمودند)
رئیس - آقای کاشانی
(اجازه)

کاشانی - بنده قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای دکتر امیرخان اعلم.

(اجازه)
دکتر امیرخان اعلم - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب
(اجازه)
آقاسید یعقوب - آقای تجدید را

جزء غائبین بدون اجازه نوشته اند بطوری که بنده در نظر دارم ایشان تا دوماه از مجلس اجازه خواسته اند. خوب است اصلاح شود.

رئیس - مراجعه میشود و تکلیفش معین خواهد شد. آقای اخگر
(اجازه)

اخگر - در صورت مجلس نوشته شده است که بنده راپورت کمسیون مبتکرات را مسترد داشتم در صورتی که بنده راپورت را مسترد نداشتم فقط بنده موافقت کردم با پیشنهاد آقای مدرس که در جلسه دیگر مطرح شود.

رئیس - بسیار خوب اصلاح میشود دیگر اشکالی نیست؟

جمعی از نمایندگان - خیر
رئیس - آقای کاشانی.
(اجازه)

آقای میرزا سید حسن کاشانی - مطالبی که جزو دستور گذاشته می شود و اعلان داده میشود که در جلسه آتی مطرح خواهد شد.

بنده عقیده دارم که آقایان نمایندگان محترم نباید بگذارند آن دستور تغییر کند زیرا لوائح را آقایان مطالعه می کنند و مطالب را در ذهن خودشان می سپارند.

اینجا که می آیند آن مطالب بکلی از بین میرود.

و يك مطالب دیگری میان می آید و بدون مطالعه در آنها صحبت میشود خوب است نفیاً و اثباتاً تکلیف این قضیه معلوم شود.

رئیس - آقای دکتر امیرخان
(اجازه)

دکتر امیرخان اعلم - در چندی قبل بنده يك پیشنهادی راجع به بودجه های صحیه بدولت کرده بودم و چون منافع عمومی را در برداشت قابل توجه هم شده بود.

از قراری که بنده می شنوم این پیشنهاد

بنده در بعضی محافل طی سوء تعبیر شده و شاید از آن محافل هم تجاوز کرده باشد بطوری که بعضی از آقایان یادمانی هم در این باب با بنده مذاکره کردند خواستم در این موضوع چند کلمه بعرض آقایان برسانم یا اگر در خارج يك عریضی خدمتشان می شود حقیقت را بدانند.

آقایان نمایندگان محترم البته در نظر دارند احتیاجات ضروری صحیه عمومی و قلت بودجه آن را بنده هم خیلی تقلا کردم و آقایان هم کمک فرمودند که شاید بشود يك بودجه کافی برای صحیه ترتیب داد و از تلفاتی که در مملکت ما می شود جلوگیری کرد ولی متأسفانه تاکنون موفق نشده ایم.

و چون بنده دیدم بودجه صحیه فعلاً فقط صدی و سی و شش هزار تومان است اگر چه حالا دولت سیزده هزار تومان دیگر هم پیشنهاد کرده است.

ولی هنوز بتصویب نرسیده است بنده با خود فکر کردم يك مملکت که بودجه صحیه اش صد و سی و شش هزار تومان است انصاف نیست که قبل این مؤسسه بیاید مثل سایر مؤسسات دولتی که بودجه کافی دارند یا نصیب سیصد تومان حقوق بگیرد.

و همچو مؤسسه مدیرانش نباید همان اکثر بودجه را بگیرند.

باید يك فداکاری کنند و بنده پیشنهاد می کنم این بود که يك چنین مؤسسه انصافاً با حفظ تمام مقامات فنی و علمی و اداری خودش بیش از حقوق يك معاون اداره نگیرد.

ادارات هم بدائرة مبدل شوند و اداره هم بیشتر ندارد.

بعضی از اطباء محترم هم که در مریم خانه ها هستند آنها هم از حقوقشان يك قدری صرف نظر کنند تا در سایه این عمل بتوان به بعضی نقاط که در آنجا امراض هست کمک داد.

مثلاً دو سال و نیم قبل که در خراسان مرض شد وقتی که از مرکز استمداد نمودند چون راجع باین قبل مسائل در بودجه هیچ پیش بینی نشده بود گفتند برای ولایات خبری نیست.

اخیراً در باخر و جام مرض شد و از مرکز استمداد نمودند دولت نتوانست آن طور که باید اقدامات لازمه را برای جلوگیری از مرض بکند این بود که بنده يك پیشنهادی تهیه کردم.

و قبلاً فرستادم بمالیه که اگر این مخالف با قوانین است نظریات خودتان را بنویسید.

مالیه مراسله نوشته بود که هیچ وجه مخالف با قوانین نیست و خیلی هم پسندیده بودند بهمین ملاحظه هم رئیس دولت تصویب فرمودند.

ولی نظر در این است که اگر یک فرد یا جامعه یا یک دولتی که دارای مستخدمینی هستند در یک موقعی ضرورت بیک امری پیدا کنند که مابین مستخدمین و اشخاص متخصمین باشند که از عهده انجام آن کار بر آید آیا آن شخص متخصمین مجبور است که آن کار را هم انجام دهد یا اینکه خیر مجبور نیست که آن امر فوق العاده را انجام دهد و دولت می تواند در موقع غیر اداری آن متخصمین را بآن کار کهارد و با حقوق بدهد تا آن امر را انجام دهد فرض این مسئله سهل است.

مثل اینکه کسی مستخدم دولت باشد و در همان حال طبیب هم هست اگر در وقت اداری اش کسی باو بگوید بیا و این مریض را معالجه کن تردیدی نیست می تواند این دارو را بکند و حق هم دارد مطالبه حق الزحمه کند خوب پس همینطور که یک فردی ممکن است احتیاج بیک کاری پیدا کند یعنی ممکن است مریض شود و ضرورت به طبیب پیدا کند دولت هم که یک نفر دقانونی است ممکن است به احیان ضایع یک احتیاجی پیدا کند و ممکن است مشاهده کند که یکی از مستخدمین او در آن فن متخصمین باشند و اگر می خواهند آن کار را باور جوع کنند باید باو بگویند مطابق قانون استخدام موظفی این کار را قبول کنی و این را می شود و شغل حساب کرد پس این مربوط به آن فرمایش که آقای کازرونی اظهار کردند که در مملکتی که فقیر است نباید بیک نفر دوشغل داده شود نیست میفرمایند تفسیر یعنی توضیح معنی یک کلمه یا یک جمله که نتوان او را تشف کرد

بعقیده بنده اینطور نیست از نقطه نظر قانونگذاری ممکن است یک قانونی در پیش یک اشخاص متخصمین قابل تفسیر نباشد ولی در یک مواقع اشخاص یک اشتلاتی می بینند که برای رفع آن اشتلال مقامی که صلاحیت اینکار را دارد باید بگویند معنایش این است

برعکس عقیده ایشان بعقیده بنده وعده زیادی از آقایان و نلا و مستخدمین این اصولی که ایشان اظهار کردند بهیچ وجه اجمال و ابهامی ندارد

و باید دلیل بر این نیست که عمل بر طبق این لایحه در ادارات دولتی ممنوع است و بنده تصور نمیکنم که اصل سی و دوم قانون اساسی یا قانون شانزدهم جواز یا قانون انتصابات هیچ منافاتی با این مقصود عرض بنده داشته باشد

و گمان نمیکنم هیچ یک از اینها این حق را از مستخدمین اداری که در یک امر و فن متخصمینند سلب کند و مانع شود از اینکه آنها در ایام غیر اداری خودشان حق داشته باشند کار دیگری بکنند

ولی چون نظرها مختلف است برای اینکه در آیه رفس هر گونه اختلافی شود

دولت لایحه داده و بمجلس فرستاده است. اصل سی و دوم قانون اساسی میگوید اگر نمایندگان ملت در ادارات دولتی شغل اداری پیدا کردند از وکالت منصرف می شوند و وکالت آنها منوط بان انتخاب جدید است. باید دید شغل اداری یعنی چه؟ و مستخدم اداری که مشمول قانون استخدام میشود کیست؟

در قانون استخدام مقرراتی ذکر می کند برای مستخدمین و حقوق و تکالیفی برای آنها معین میکند و مستخدم دولت کسی است که تابع آن مقررات باشد یعنی که اتمام آن مراتبی که در قانون استخدام برایش معین شده از قبیل اضافه حقوق و ترفیع رتبه و تقاعد و انفصال و غیره برخوردار شود

ولی کسیکه اهل حرفه و فن است و وقتاً کار میکند و در هیچ یک از این اصول و مقررات فوق مشمول قانون استخدام نیست

و اصل سی و دوم قانون اساسی راجع است باشخاصی که مستخدم رسمی دولت باشد و مطابق قانون استخدام مکلف بانجام و اجرای تمام اصول آن قانون باشد.

پس از این جهت وقتی که دولت بیک نفر تاجر یا طبیب احتیاج پیدا میکند و او را بخدمت می پذیرد

نمی توان گفت او جزو مستخدمین اداری محسوب است و دارای خصوصیاتی است که قانون استخدام برای او معین میکند

بنابراین اصل ۲۲ قانون اساسی باین مورد اساساً مشمول ندارد

و مقصود آن اصل این است که مثلاً یک کسی در حین وکالت بخدمتی از خدمات دولتی انتقال پیدا کند و رسماً آن شغل را قبول کند در این مورد بمحض قبول این شغل مستلزم انفصال او است از مقام نمایندگی و این مسئله بهیچ وجه مربوط به شغل نجاری و طبابت و امثال آن نیست و تصور میکنم با مختصر مطالعه معلوم میشود که این قضیه را نمیتوان باین اصل مشمول داد قسمت دیگر از فرمایشات آقای کازرونی مربوط بود بقانون شانزدهم جوزا که می نویسد

اجتماع دوشغل اداری با دوشغل ممنوع است این مطلب هم عیناً همانطوری است که بنده در توضیحات راجعه باصل ۲۲ قانون اساسی

دادم و شامل اینجا هم نیست زیرا که شغل اداری شغلی است که تمام خصوصیات و مقررات قانون استخدام شامل آن باشد مثلاً یک نفر رئیس اداره اگر متحمل کفالت امور

اداره دیگری شود اجماع ممکن است ولی نمیتواند باستناد اجماع این دو شغل حقوق ریاست آن اداره و حقوق کفالت امور

اداره دیگری را که عهده دار شده بگیرد مقصود این است و بهیچ دلیل است که توجه

آقایان راجع می کم که ناوقتیکه شغل مشمول مقررات قانون استخدام نباشد نمی توان تصور کرد که آن شغل رسمی دولتی است و مشمول قواعد مقررات راجعه بقانون استخدام است و هیچ تردیدی نیست که یک نفر نماینده در همان حالی که مکلف است بانجام وظایفی در همانحال بر حسب هیچ قانونی ممنوع نشده است که در غیر مواردی که مکلف به انجام وظیفه است.

اگر در غیر آن موارد اداری بخواهد از رفتن خودش استفاده کند نتواند استفاده نماید مثلاً طبیب است در غیر مواقع اداری دعوت میشود برای معالجه مریض و بنده نمی دانم چه فرقی دارند بین این اشخاص و بین دولت برای این که دولت بیک تشکیلاتی است که نماینده جاه است و در ترفیع مناصب نسبت با افراد در حکم یک شخص قانونی است و اگر چنانچه دولت احتیاج پیدا کرد بیک طبیبی که مستخدم بانام بنده مجلس هم باشد مراجعه کند بآن طبیب چه ضرر دارد؟

برای چه محروم است از اینکه حق الزحمه خودش را از دولت دریافت کند در صورتیکه همان شخص در موقع دعوت افراد دیگر ممنوع نیست بهر صورت قانون ۱۶ جوزا و اصل ۲۲ قانون اساسی راجع است باشخاص که موافق قانون استخدام مستخدم دولت شناخته شوند و شامل آن اشخاصی که مشمول آن قانون نیستند

نمیشود و بنده از آقایان نمایندگان معترم تنها میکنم که بیشتر وقت بفرمایند در مسائلی که حقیقتاً مخالف باجرائی است که امروزه در همه جای دنیا معمول است

زیرادر هر کجا که بروند وقتی که یک شخص متخصمین در یک فن است و مستخدم دولت هم هست در غیر کار اداری اگر کاری باور جوع کنند حق خواهد داشت که از مزایای فنی خودش استفاده کند و در هر صورت معمولی در مدارس دولتی بعقیده بنده مثل طب در ادارات دولتی است و همان طوری که عرض کردم در خارج طبیب میتواند از حق الزحمه خودش استفاده کند با اینکه مشمول قانون استخدام هم باشد از حق-التدریس هم در غیر مواقع اداری میشود استفاده کرد مستخدم رسمی که دادن دوشغل باو ممنوع است مستخدمی است که مطابق قانون استخدام مستخدم دولت شناخته شده

یعنی از تمام مقررات قانون استخدام از ترفیع و اضافه حقوق و انتظار خدمت و تعقیب و جلب بهما که و بالاخره از تمام حقوقی که بر حسب قانون استخدام بوسیله مستخدمین مقرر است برخوردار شوند

البته کسی که بهیچ وجه از تمام آن حقوق برخوردار نیست و مجبور بانجام آن تکالیف نیست نمیتوان او را مستخدم دولت دانست که مشمول این قانون باشد قسمت دیگر که آقای کازرونی فرمودند راجع

بنده تصور میکنم اگر مختصر توجیهی بفرمایند تصدیق میفرمایند که اشتباه فرموده اند آن ماده راجع است با اینکه اشخاصی که در اینجا ناوانی و فقر و فلاکت است و هیچ تردیدی نیست که یک نفر نماینده در همان حالی که مکلف است بانجام وظایفی در همانحال بر حسب هیچ قانونی ممنوع نشده است که در غیر مواردی که مکلف به انجام وظیفه است.

اگر در غیر آن موارد اداری بخواهد از رفتن خودش استفاده کند نتواند استفاده نماید مثلاً طبیب است در غیر مواقع اداری دعوت میشود برای معالجه مریض و بنده نمی دانم چه فرقی دارند بین این اشخاص و بین دولت برای این که دولت بیک تشکیلاتی است که نماینده جاه است و در ترفیع مناصب نسبت با افراد در حکم یک شخص قانونی است و اگر چنانچه دولت احتیاج پیدا کرد بیک طبیبی که مستخدم بانام بنده مجلس هم باشد مراجعه کند بآن طبیب چه ضرر دارد؟

برای چه محروم است از اینکه حق الزحمه خودش را از دولت دریافت کند در صورتیکه همان شخص در موقع دعوت افراد دیگر ممنوع نیست بهر صورت قانون ۱۶ جوزا و اصل ۲۲ قانون اساسی راجع است باشخاص که موافق قانون استخدام مستخدم دولت شناخته شوند و شامل آن اشخاصی که مشمول آن قانون نیستند

نمیشود و بنده از آقایان نمایندگان معترم تنها میکنم که بیشتر وقت بفرمایند در مسائلی که حقیقتاً مخالف باجرائی است که امروزه در همه جای دنیا معمول است

زیرادر هر کجا که بروند وقتی که یک شخص متخصمین در یک فن است و مستخدم دولت هم هست در غیر کار اداری اگر کاری باور جوع کنند حق خواهد داشت که از مزایای فنی خودش استفاده کند و در هر صورت معمولی در مدارس دولتی بعقیده بنده مثل طب در ادارات دولتی است و همان طوری که عرض کردم در خارج طبیب میتواند از حق الزحمه خودش استفاده کند با اینکه مشمول قانون استخدام هم باشد از حق-التدریس هم در غیر مواقع اداری میشود استفاده کرد مستخدم رسمی که دادن دوشغل باو ممنوع است مستخدمی است که مطابق قانون استخدام مستخدم دولت شناخته شده

یعنی از تمام مقررات قانون استخدام از ترفیع و اضافه حقوق و انتظار خدمت و تعقیب و جلب بهما که و بالاخره از تمام حقوقی که بر حسب قانون استخدام بوسیله مستخدمین مقرر است برخوردار شوند

البته کسی که بهیچ وجه از تمام آن حقوق برخوردار نیست و مجبور بانجام آن تکالیف نیست نمیتوان او را مستخدم دولت دانست که مشمول این قانون باشد قسمت دیگر که آقای کازرونی فرمودند راجع

بنده تصور میکنم اگر مختصر توجیهی بفرمایند تصدیق میفرمایند که اشتباه فرموده اند آن ماده راجع است با اینکه اشخاصی که در اینجا ناوانی و فقر و فلاکت است و هیچ تردیدی نیست که یک نفر نماینده در همان حالی که مکلف است بانجام وظایفی در همانحال بر حسب هیچ قانونی ممنوع نشده است که در غیر مواردی که مکلف به انجام وظیفه است.

اگر در غیر آن موارد اداری بخواهد از رفتن خودش استفاده کند نتواند استفاده نماید مثلاً طبیب است در غیر مواقع اداری دعوت میشود برای معالجه مریض و بنده نمی دانم چه فرقی دارند بین این اشخاص و بین دولت برای این که دولت بیک تشکیلاتی است که نماینده جاه است و در ترفیع مناصب نسبت با افراد در حکم یک شخص قانونی است و اگر چنانچه دولت احتیاج پیدا کرد بیک طبیبی که مستخدم بانام بنده مجلس هم باشد مراجعه کند بآن طبیب چه ضرر دارد؟

برای چه محروم است از اینکه حق الزحمه خودش را از دولت دریافت کند در صورتیکه همان شخص در موقع دعوت افراد دیگر ممنوع نیست بهر صورت قانون ۱۶ جوزا و اصل ۲۲ قانون اساسی راجع است باشخاص که موافق قانون استخدام مستخدم دولت شناخته شوند و شامل آن اشخاصی که مشمول آن قانون نیستند

نمیشود و بنده از آقایان نمایندگان معترم تنها میکنم که بیشتر وقت بفرمایند در مسائلی که حقیقتاً مخالف باجرائی است که امروزه در همه جای دنیا معمول است

زیرادر هر کجا که بروند وقتی که یک شخص متخصمین در یک فن است و مستخدم دولت هم هست در غیر کار اداری اگر کاری باور جوع کنند حق خواهد داشت که از مزایای فنی خودش استفاده کند و در هر صورت معمولی در مدارس دولتی بعقیده بنده مثل طب در ادارات دولتی است و همان طوری که عرض کردم در خارج طبیب میتواند از حق الزحمه خودش استفاده کند با اینکه مشمول قانون استخدام هم باشد از حق-التدریس هم در غیر مواقع اداری میشود استفاده کرد مستخدم رسمی که دادن دوشغل باو ممنوع است مستخدمی است که مطابق قانون استخدام مستخدم دولت شناخته شده

یعنی از تمام مقررات قانون استخدام از ترفیع و اضافه حقوق و انتظار خدمت و تعقیب و جلب بهما که و بالاخره از تمام حقوقی که بر حسب قانون استخدام بوسیله مستخدمین مقرر است برخوردار شوند

البته کسی که بهیچ وجه از تمام آن حقوق برخوردار نیست و مجبور بانجام آن تکالیف نیست نمیتوان او را مستخدم دولت دانست که مشمول این قانون باشد قسمت دیگر که آقای کازرونی فرمودند راجع

بنده تصور میکنم اگر مختصر توجیهی بفرمایند تصدیق میفرمایند که اشتباه فرموده اند آن ماده راجع است با اینکه اشخاصی که در اینجا ناوانی و فقر و فلاکت است و هیچ تردیدی نیست که یک نفر نماینده در همان حالی که مکلف است بانجام وظایفی در همانحال بر حسب هیچ قانونی ممنوع نشده است که در غیر مواردی که مکلف به انجام وظیفه است.

یعنی اینطور جواب داد که مقصود از موظف این است که شغلی را که دارای وظیفه باشد یعنی یک پست و صندلی که برای آن پست و صندلی یک حقوق معین شده است اعم از اینکه آن حقوق را بگیرند یا نگیرند در آن موقع اینطور جواب داده شد و بفرموده بنده که یک نفر هم وکیل و هم وزیر باشد بدون گرفتن حقوق حالا می خواهیم این رئیس فلان اداره هست فلان عنوان هم در جای دیگر پیدا میکنم آن سمت در جای دیگر افتخاری است و بدون حقوق میشود و به علاوه الان بصورت حاضر و غایب مدارس دولتی که یک عده از اجزاء و مستخدمین ادارات در آنجا تدریس می کنند مراجعه بفرمایند ببینید که آن مستخدمین مدارس ادارات رفته است مدرسه یا در ساعات مدرسه رفته است سرکار اداره اش و در هر صورت هر کدام از اینها که باشد اسباب تعویق کار میشود و بعقیده بنده اگر از ساعات ادارش بر دارد دزدی است و اگر از ساعات تدریش بر دارد که آن هم انصافاً کار خوبی نیست.

در قانون ۱۶ جوزا می نویسد که اگر جاع دوشغل متمایز باشد فنی دانم و شغل متمایز یعنی اگر یک نفر طبیب شود یک شغل رسمی دولتی هم دارد آنوقت بعنوان طبابت هم در یک اداره دیگری مشغول خدمت شد این دوشغل متمایز نیست؟

یعنی این شغلی است که ضمیمه آن شغل است.

در صورتیکه این یک شغلی است جدا و آنهم یک شغلی است جدا آنوقت در آنجا یک صندلی را اشغال کند و در جای دیگر هم یک صندلی دیگر را اشغال کند.

و باین ترتیب آیا میشود گفت که این دو شغل متمایز نیست و داخل هم است.

بنابراین بنده عقیده ندارم که مابین این اصل قانون اساسی و این مواد را اینطور فقط برای احتکار کار تفسیر کنیم خوب آقای مقبر میفرمایند در قانون کفالت هست که میتواند یک نفر کفالت کار دیگری را بکند با اینکه یک شغل اداری هم داشته باشد

این مسئله مربوط باین قسمت نیست چون در قانون مصرح است که در چه مورد چه اشخاص میتوانند کفالت شغل دیگری را بکنند چون تصریح دارد معنی ندارد نه اینکه اجازه باشد و وسیله این شود که هر کس بتواند دوشغل را عهده دار شود.

فرمودند که بایستی آن دو شغل که یک نفر ارجاع میشود کاملاً آن شخص مشمول قانون استخدام باشد این اصل اساساً صحیح است و باید مشمول قانون استخدام باشد والا همان مستخدم که در ساعت بیکاری در مدارس ملی میتواند درس بگوید اگر مقصود هم تعلیم و توسعه معارف است خدمت بملت و معارف است پس خوب است در مدارس دولتی که بودجه

آنها کمتر است آقایان حاضر شوند در آنجا تدریس کنند یا بجای با حقوق کمی و البته در آنجا اعتراضی نیست ولی وقتی که آن شغل دولتی باشد از دولت حقوق بگیرد در آن صورت البته مشمول این ماده و اصل ۲۲ میشود بخصوص که ما می بینیم یعنی بامتجان و تجربه فهمیده ایم که خیلی از این شغلها افتخاری میشود یعنی بنده رئیس فلان اداره هست فلان عنوان هم در جای دیگر پیدا میکنم آن سمت در جای دیگر افتخاری است و بدون حقوق میشود و به علاوه الان بصورت حاضر و غایب مدارس دولتی که یک عده از اجزاء و مستخدمین ادارات در آنجا تدریس می کنند مراجعه بفرمایند ببینید که آن مستخدمین مدارس ادارات رفته است مدرسه یا در ساعات مدرسه رفته است سرکار اداره اش و در هر صورت هر کدام از اینها که باشد اسباب تعویق کار میشود و بعقیده بنده اگر از ساعات ادارش بر دارد دزدی است و اگر از ساعات تدریش بر دارد که آن هم انصافاً کار خوبی نیست.

در قانون ۱۶ جوزا می نویسد که اگر جاع دوشغل متمایز باشد فنی دانم و شغل متمایز یعنی اگر یک نفر طبیب شود یک شغل رسمی دولتی هم دارد آنوقت بعنوان طبابت هم در یک اداره دیگری مشغول خدمت شد این دوشغل متمایز نیست؟

یعنی این شغلی است که ضمیمه آن شغل است.

در صورتیکه این یک شغلی است جدا و آنهم یک شغلی است جدا آنوقت در آنجا یک صندلی را اشغال کند و در جای دیگر هم یک صندلی دیگر را اشغال کند.

و باین ترتیب آیا میشود گفت که این دو شغل متمایز نیست و داخل هم است.

بنابراین بنده عقیده ندارم که مابین این اصل قانون اساسی و این مواد را اینطور فقط برای احتکار کار تفسیر کنیم خوب آقای مقبر میفرمایند در قانون کفالت هست که میتواند یک نفر کفالت کار دیگری را بکند با اینکه یک شغل اداری هم داشته باشد

این مسئله مربوط باین قسمت نیست چون در قانون مصرح است که در چه مورد چه اشخاص میتوانند کفالت شغل دیگری را بکنند چون تصریح دارد معنی ندارد نه اینکه اجازه باشد و وسیله این شود که هر کس بتواند دوشغل را عهده دار شود.

فرمودند که بایستی آن دو شغل که یک نفر ارجاع میشود کاملاً آن شخص مشمول قانون استخدام باشد این اصل اساساً صحیح است و باید مشمول قانون استخدام باشد والا همان مستخدم که در ساعت بیکاری در مدارس ملی میتواند درس بگوید اگر مقصود هم تعلیم و توسعه معارف است خدمت بملت و معارف است پس خوب است در مدارس دولتی که بودجه

آنها کمتر است آقایان حاضر شوند در آنجا تدریس کنند یا بجای با حقوق کمی و البته در آنجا اعتراضی نیست ولی وقتی که آن شغل دولتی باشد از دولت حقوق بگیرد در آن صورت البته مشمول این ماده و اصل ۲۲ میشود بخصوص که ما می بینیم یعنی بامتجان و تجربه فهمیده ایم که خیلی از این شغلها افتخاری میشود یعنی بنده رئیس فلان اداره هست فلان عنوان هم در جای دیگر پیدا میکنم آن سمت در جای دیگر افتخاری است و بدون حقوق میشود و به علاوه الان بصورت حاضر و غایب مدارس دولتی که یک عده از اجزاء و مستخدمین ادارات در آنجا تدریس می کنند مراجعه بفرمایند ببینید که آن مستخدمین مدارس ادارات رفته است مدرسه یا در ساعات مدرسه رفته است سرکار اداره اش و در هر صورت هر کدام از اینها که باشد اسباب تعویق کار میشود و بعقیده بنده اگر از ساعات ادارش بر دارد دزدی است و اگر از ساعات تدریش بر دارد که آن هم انصافاً کار خوبی نیست.

در قانون ۱۶ جوزا می نویسد که اگر جاع دوشغل متمایز باشد فنی دانم و شغل متمایز یعنی اگر یک نفر طبیب شود یک شغل رسمی دولتی هم دارد آنوقت بعنوان طبابت هم در یک اداره دیگری مشغول خدمت شد این دوشغل متمایز نیست؟

یعنی این شغلی است که ضمیمه آن شغل است.

در صورتیکه این یک شغلی است جدا و آنهم یک شغلی است جدا آنوقت در آنجا یک صندلی را اشغال کند و در جای دیگر هم یک صندلی دیگر را اشغال کند.

و باین ترتیب آیا میشود گفت که این دو شغل متمایز نیست و داخل هم است.

تنگرانی را یاد نکرد می تواند عمل کند و شغلهای فنی خیلی کم است و آنهایی هم که عالم باشند خیلی کم است پس با جزاء تلگراف خانه هم بموجب این قانون که حالا می خواهیم بگذاریم میتوانیم اجازه بدهیم که در غیر ساعات ادارشان یعنی هر چه میتوانند از ساعات اداره بزدند و مشغول کار دیگر بشوند و در مقابل آن هم حقوق بگیرند

و بنده هیچ مجوزی نمی بینم که اجاب کند ماضی قانون اساسی و موادی که از مجلس گذشته است باین ترتیب و بر خلاف حقیقت تفسیر کنیم

بنابراین بر خلاف آنچه که اینجا نوشته شده است بنده عقیده دارم که اگر این اصل قانون اساسی را اینطور تفسیر کنیم فردا است که شغل وزارت هم با وکالت متافاتی نمیکند

مثل اینکه در درجه چهارم هم مذاکره شد که وزیر میگوید من حقوق وزارت را نمیگیرم در صورتیکه مقام و کالت محفوظ باشد اگر چه وقتیکه این قانون تصویب شد میگوید وزارت هم فن است و در مملکت کسی نیست که بتواند وزیر بشود

از این جهت آقای وکیل را می بیند و وزارت و بموجب رأی که در جلسه نوزدهم شهریور ۱۳۰۴ داده شد که در کارهای فنی و کلاه و مستخدمین ادارات دولتی میتواند دخالت بکنند.

بنابراین وزیر هم چون در این فن بخصوص ماهر بود و دیگری نبود که بتواند وزیر بشود

از این جهت وزیر هم میتواند شغل دیگری هم داشته باشد و در هر صورت اگر این ماده را اینطور تفسیر کنیم یک اصل صریح قانون اساسی را نقض کرده ایم دیگر بسته است به نظر آقایان

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

وزیر فوآند عامه - نظر باینکه وزیری که این لایحه را امضاء کرده حاضر نیست که دفاع کند

و ضمناً آقای آقا میرزا شهاب در ضمن بیاناتشان اسمی هم از بنده بردند و خود این هم بنده را وادار میکند که هم در آن مطلب یک چند کلمه توضیح بدهم و هم نظر دولت را عرض کنم.

اولاً در قسمت معرفی بنده وارد شدن این مطلب که اگر وزیر حقوق بگیرد اشغال مقام وزارت متافاتی باو نیست

عرض میکنم این قسمت از بیاناتشان قدری مقرون بحقیقت نیست

اینطور تفسیر و تاویل در درجه چهارم که بنده بعوضت کابینه آقای مشیرالدوله تمین شدم هیچوقت نشدم

خوب بنده این مطلب را عنوان کردم و بنده را جزو مستغنی های مجلس شمرند

تنگرانی را یاد نکرد می تواند عمل کند و شغلهای فنی خیلی کم است و آنهایی هم که عالم باشند خیلی کم است پس با جزاء تلگراف خانه هم بموجب این قانون که حالا می خواهیم بگذاریم میتوانیم اجازه بدهیم که در غیر ساعات ادارشان یعنی هر چه میتوانند از ساعات اداره بزدند و مشغول کار دیگر بشوند و در مقابل آن هم حقوق بگیرند

و بنده هیچ مجوزی نمی بینم که اجاب کند ماضی قانون اساسی و موادی که از مجلس گذشته است باین ترتیب و بر خلاف حقیقت تفسیر کنیم

بنابراین بر خلاف آنچه که اینجا نوشته شده است بنده عقیده دارم که اگر این اصل قانون اساسی را اینطور تفسیر کنیم فردا است که شغل وزارت هم با وکالت متافاتی نمیکند

(حالا نمیخواهم در این مورد عرض بکنم) ولی آنوقت گفتند که اصولاً و بطور کلی مریض نمایندگان مجترم میرسام که اگر وزیر حقوق نگیرد میتواند مقام وکالت خودش را حفظ کند و سوابقی هم که بوده است همین نظر بنده را تأیید کرده است و نمیکند.

در اداره مختلفه مجلس نمایندگان بوده اند که بدون حقوق مقامات موظف را اشغال کرده اند و مقام کالتشان هم محفوظ بوده است

بر سیبل مثل عرض میکنم مثل آقای مساوات و آقای تنکابنی آقای راه را هم چندان نفر دیگر که با حفظ مقام خودشان چون حقوق نمیگیرند مقامات دیگری هم داشته اند

بنابراین اگر یک وزیر پیدا بشود که حقوق نگیرد

و مقام وزارت را اشغال بکنند این هیچ منافی با مقام وکالت او نخواهد بود و این تازه یک قدمی است که بطرف آن اصلی که در تمام دنیا معمول است که وزراء باید از مجلس بپساشند برداشته شده و نزدیک شده ایم.

این قسم از نقطه نظر عمل و حالی نیست بلکه از نقطه نظر بعد است که بعد گفته نشود مجلس یک همچو فراری گذاشته است.

اما در باب اصل مطلب هم باید چند کلمه عرض کنم و آن این است که آقایان نباید تصور بفرمایند که تفسیر قانون یعنی برداشتن معنی تحت اللفظی آن است بلکه تفسیر قانون یعنی استنباط نمودن معنی آن بامقتضیات وقت و باینجهت است که در ادوار مختلفه تفسیر هم ممکن است مختلف باشد.

کاررونی - اینطور نیست وزیر فوآند عامه - این اصل مسلم است و تجربه هم شده است (همه باین نمایندگان)

آقای سید یعقوب - یعنی قانون در بین نیست هر روز یک رأی باید داد وزیر فوآند عامه - این اصل را که بنده عرض کردم مغرور شدم بنده بنده عرض کردم تمام بزرگان دنیا هستند و در جای خودش محرز است

و بالاخره اگر نمایندگان نمیتوانند خدمات دولتی را قبول کنند مسلم است که نظر مقنن و روح قانون مربوط با مشاغل فنی نیست و هیچ محل تردید هم نیست و مقصود این است که در ادارات دولتی بپسهای مادی که هست نماینده نمیتواند مستخدم شود که هم حقوق نمایندگان را بگیرد و هم حقوق اداری را

اما مشاغل فنی اینجا را ندارند اگر طبیبی وکیل شد حق دارد مردم را هم در خارج معالجه نماید (همه باین نمایندگان)

وزیر فواید عامه - اجازه فرمائید البته حق دارد در فراغت از وظائف نمایندگی محکمه خودش راه اثر نماید و معالجه کشته این حق طبیعی هر بشری است و هیچکس هم نمیتواند این را از کسی سلب نماید.

پس بنابراین وقتی که این اصل را قائل شدیم میتوانیم بگوئیم که مریض تلگراف خانه یا مهدلیه یا فواید عامه را معالجه کردن هیچ فرقی با مریضی که از کوچه میآید ندارد.

خوب بمجرد اینکه شما برای يك نماینده قائل شدید که بعضی اینکه يك شخصی نماینده شد تمام اوقات او صرف خدمات مربوط باین شغل است یعنی در خانه اش هم حق ندارد طبابت کند یا در يك مدرسه که خودش تأسیس کرد است تدریس نماید اگر این مراد است که مقتضی خواهد بود گفته شود در ادارات دولتی هم نباید باو اجازه داده شود که طبابت نماید اما بمجرد اینکه در خارج قائل شدید که نماینده که طبیب است میتواند مریض خارج را معالجه کند

آنوقت بنده هیچ فرقی بین مریض خارج و مریض وزارتخانه نمیبینم مرحله دیگر این است که چه فرق دارد اگر يك وزارتخانه مرضی خودش را بفرستد در يك محکمه و حق العلاج را منفرداً بدهند

یا اینکه بطور تخمین برآورد بکنند و وامعایانه کنتراست نماید و بعوض حق المعالجه يك حقوقي بآن طبیب بدهد و البته این حقوق نیست

بلکه این حق الزحمه است و بعقیده بنده هیچ اشکالی هم ندارد رئیس - آقای فاطمی پیشنهاد نمودند که چند دنبقه تنفس داده شود مخالفی ندارد؟

جمعی از نمایندگان - خیر

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از يك ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود

(جمعی از نمایندگان - صحیح است) **حاج میرزا عبدالوهاب** - پیشنهاد بنده مقدم بود

رئیس - آقایانی که تصویب میکنند جلسه ختم شود قیام فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

وزیر مالیه - خواستم از مجلس شورای ملی تمنا کنم که لایحه واگذاری سلطنت آباد را بوالاحضرت اقدس جزء دستور جلسه آتی قرار دهند

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - جزو دستور روز یکشنبه می شود (پیشنهاد جمعی از نمایندگان بشرح ذیل خوانده شد) مامضا کنندگان تقاضا میکنیم جلسه خصوصی برای روضه معمولی مجلس تشکیل داد و تکلیف را معین فرمائید **رئیس** - جلسه را ختم میکنیم و جلسه خصوصی را تشکیل میدهیم (مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی حسین بیرنیا منشی د کتر احتشام طباطبائی منشی - م - شهاب جلسه ۱۹۸

صورت مشروح مجلس یکشنبه بیست و دوم شهریور ۱۳۰۴ مطابق صفر سنه ۱۴۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل گردید

(صورت مجلس پنج شنبه نوزدهم شهریور را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند) **رئیس** - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - قبل از دستور عرض دارم. **رئیس** - آقای رضوی (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - قبل از دستور **رئیس** - آقای نظامی (اجازه)

میرزا ایدالله خان نظامی - قبل از دستور.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - قبل از دستور.

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟

(گفتند - خیر)

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - بر حسب وظیفه دو موضوع را میخواستم عرض بدارم. یکی موضوع نان طهران است و یکی هم راجع بمدینه منوره.

اما قضیه نان طهران بهیچوجه تقصیر و قصوری از طرف دولت نبوده و شاید بمقیده بنده این قصور بر میگردد به بی اطلاعی يك عده ناچارم بمجلس تذکر بدهم و جلب خاطر نمایندگان را بکنم که مردم پایتخت و سایر ولایات که اکثریت آنها تشکیل